



امیر کلبعلی
دبیر تاریخ - کرمان

خاص نیاز داشته و ساخت شاکله‌ی تمدن‌های بشری بر همین تعلیم بنا شده باشد. چرا که اگر امروزه به آموزش و پرورش به‌عنوان سیستمی کارآمد و ضروری نگاه نشود، فردا خسران آن را خواهیم دید و ای بسا که همین امروز نیز بعضی از خسارت‌های آن را به چشم می‌بینیم. پس بر ماست که بپذیریم، کلید اصلی پیشرفت و ترقی، در نگاه علمی و به‌روز به آموزش و پرورش، و بالطبع به معلم است، زیرا میلیون‌ها کودک، جوان و نوجوان، از رهگذر این نهاد به عرصه‌ی مدیریتی و اجرایی جامعه قدم می‌گذارند.

مقدمه

می‌دانیم که خالق بی‌همتا تعلیم بشر را در نظر داشته است و دلیل بعثت پیامبران نیز تربیت و هدایت انسان است. پس در عالمی که بنای ازل و ابدش بر تعلیم گذاشته شده است، غفلت از این مقوله حتماً مایه‌ی خسران خواهد بود. خصوصاً که این تعلیم به آموزش‌های

کلیات روش تدریس تاریخ

تدریس تاریخ در کشورهای پیشرفته و تعدادی از کشورهای درحال توسعه، پا به پای روش‌های تدریس درس‌های دیگر، بر مبنای روش فعال و مشارکتی استوار است و اساساً این روش بر دانش‌آموز در

آموخته‌های خود بنا شده است و آموزش را از مرحله‌ی طرح مطلب و ارائه‌ی دانش، تا مرحله‌ی فهمیدن از طریق تعمیق پیش می‌برد. این فرایند به گونه‌ای هدایت می‌شود که دانش‌آموز بتواند، در یک سوی دو قطب سیال، مفاهیم را از طریق مطالعه، تبادل نظر و مشارکت در بحث و استدلال دریابد. روش‌های فعال و مشارکتی در آموزش تاریخ به شرح زیرند:

۱. ایفای نقش

۲. اکتشافی

۳. حل مسئله در تاریخ

۴. تبیین ارزش‌ها

۵. استفاده از کارت‌های آموزش [آرام، ۱۳۷۹: ۳۸].

حال به شرح مبسوطی از ویژگی‌های معلم تاریخ و شیوه‌های تدریس می‌پردازیم:

معلم تاریخ وقت‌شناس است، مرتب و بدون تأخیر سر کلاس حاضر می‌شود، از کار خویش شکایت نمی‌کند [رجبی، ۱۳۸۳: ۵۶]، با ظاهری آراسته و بشاش و خوش‌رو وارد کلاس می‌شود. در صورت لزوم نیز، خود را برای فراگیران در حد اعتدال معرفی می‌کند و در تمام صحبت‌هایش، کاملاً جدی و قاطع و در عین حال دوستانه و مهربان سخن می‌گوید. پس از آن نیز از فراگیران می‌خواهد، خود را به طور خلاصه معرفی کنند (اسم، فامیل، سوابق تحصیلی و سن). خود نیز درباره‌ی انتظاراتش از فراگیران، چه از نظر تحصیلی و چه از نظر انضباطی و رفتاری، کاملاً شفاف توضیح می‌دهد [پارعلی، ۱۳۸۴: ۴۹].

هم‌چنین باید در کلاس پویا و با نشاط وارد شود، چرا که معلم بی‌نشاط، هم‌نشاط شاگردان را از بین می‌برد و هم خود را رنج می‌دهد [دهنوی، ۱۳۷۶: ۴۱]. از طرف دیگر، باید به کارش علاقه‌مند باشد، زیرا در غیر این صورت پیشرفت نخواهد کرد [ندایی، ۱۳۷۹: ۱۵]. باید خودش را انسانی بزرگ با هدفی بزرگ و مسئول کارهای بزرگ بداند تا دانش‌آموز نیز خود را انسانی بزرگ برای کارهای بزرگ و هدفی بزرگ بسازد [خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳]. در واقع، فعالیت‌های علمی و آموزشی معلمان در ارتقای دانش و بینش نسل جوان کشور در قبال تحولات پر دامنه، بسیار مؤثر است [خیراندیش، ۱۳۸۱: ۳] و به قول دکتر باستانی‌پاریزی: «معلمان تاریخ هم مثل سایر معلمان باید فکر این باشند که چه طور بچه‌ها را از سرگرمی‌های بیش از حد قرن بازدارند و دوباره آن‌ها را به درس و مشق بکشانند» [باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۰: ۸].

لازم است، معلمان تاریخ دارای علم و اطلاع کافی و روحیه‌ای قوی و سرشار از عشق و علاقه به میهن باشند، زیرا طیب درد این جامعه هستند [خیراندیش، ۱۳۸۰: ۳ و ۱۳]. معلم تاریخ باید دارای حلم باشد، زیرا حلم برای معلم تاریخ به اندازه‌ی علم اعتبار دارد. البته این حلم و صبر نوعی حلم و صبر روشنفکرانه است که کمک

می‌کند، موضوع تاریخی را با زبانی که شاگردانش می‌فهمند، در شرایط مادی و فرهنگی مناسب تحویل شاگردانش دهد. [کیوان، ۱۳۸۰: ۶]. او باید شماری از دانش‌آموزان را که زمینه‌ی تفکر اجتماعی دارند، در آماده‌سازی فضا به کمک طلبد و آن‌ها را در گفت‌وگو کلاس شرکت دهد [همان، ص ۸]. در هنگام تدریس نیز باید تأمل و احتیاط داشته باشد، زیرا ممکن است بعضی از والدین نسبت به طرح برخی مطالب در مدرسه حساسیت و مشکل داشته باشند. به معلمان تاریخ توصیه می‌کنیم، در بعضی موضوعات خیلی منطقی باشند و مسائل را خوب و دقیق مطرح کنند تا برخی از دانش‌آموزان و خانواده‌ها و حتی حکومت، دچار حساسیت نشوند [هندرسن، ۱۳۸۵: ۹]. به عبارت دیگر، موقعیت‌شناس باشد و بداند سخن و رفتار خود را چه موقع شروع و در کجا درنگ کند.

هم‌چنین با مطالعه و تحقیق سر کلاس برود تا کلاسش جذابیت خاصی پیدا کند [امینی، ۱۳۸۳: ۳۳] و به قول اچ کلارک با سه رکن تدریس یعنی: «محتوای درس‌ها»، «روش تدریس» و «شناخت دانش‌آموزان» آشنا باشد [نامعلوم، ۱۳۷۱: ۳۷]. تقوا و احاطه‌ی علمی داشته باشد و دارای بیانی رسا باشد [رشیدپور، ۱۳۷۱: ۱۵۹]. مؤدبانه رفتار کند و از رفتاری که حیثیت و اعتبار دانش‌آموزان را نزد دیگران به خطر می‌اندازد، اجتناب کند و نباید به طور خشونت‌آمیز و مخرب از دانش‌آموز انتقاد کند [مفیدی، ۱۳۷۳: ۳۱].

معلمی که به کلاس می‌رود، باید مسلح به جدیدترین اطلاعات در مورد رشته‌ی خودش باشد. این آگاهی را باید از کجا به دست آورد؟ به طور قطع از کتاب‌خانه‌ها، موزه‌ها، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی درس تاریخ و... [نامعلوم، ۱۳۷۸: ۵]. به اعتقاد دکتر بیات: «... معلم هیچ‌وقت نباید خودش را از مطالعه بی‌نیاز بداند، همیشه باید مطالعه داشته باشد و از دنیای جدید، اطلاعات کسب کند» [بیات، ۱۳۸۴: ۸].

علاوه بر این به نحوه‌ی تدریس به گونه‌ای احاطه داشته باشد که به قول مسعود جوادیان: «دانش‌آموز را به این رشته علاقه‌مند کند و تدریسی جالب و جذاب ارائه دهد» [جوادیان، ۱۳۸۱: ۴]. معلمین هم‌چنین به اطلاعات زیادی در زمینه‌ی وضعیت تحصیلی فراگیران و چگونگی تدریس خود، به خاطر برنامه‌ریزی تدریس و تصمیم‌گیری آگاهانه در این زمینه، نیاز دارند [پوررضا، ۱۳۸۲: ۳۴].

چگونگی ارائه‌ی درس تاریخ

دکتر کردآبادی، در مورد چگونگی ارائه‌ی درس تاریخ می‌گوید: «دبیران تاریخ قطعاً از حافظه‌گرایی و تأکید بر محفوظات و یک سلسله وقایع‌نگاری مربوط به شاهان و امثال آن دوری گزینند...» [کردآبادی، ۱۳۸۱: ۵]. هم‌چنین، در این ارتباط رسول صرامی می‌نویسد: «دبیر تاریخ به کمک روش‌های فعال تدریس می‌تواند، ضمن ارائه‌ی تحقیق و ارتباط با موضوع درسی، دانش‌آموز را با



جامعه‌ی خود پیوند بدهد و از این طریق حساسیت مسئولین کشور را درخصوص تاریخ و حفظ میراث فرهنگی برانگیزد» [صرامی، ۱۳۸۲: ۳].
 معلم تاریخ باید مسائل را عمیق بداند، چرا که نگاه عمیق به مسائل، از ویژگی‌های لازم برای بررسی مسائل تاریخی است [رخشانی، ۱۳۸۲: ۴۱]. به علاوه، از نقلیات دور شود و به سمت تحلیل برود، زیرا تحلیل ماندگارتر، شیرین‌تر و جالب‌تر است [گلستانه، ۱۳۸۲: ۴۱].

از طرف دیگر، معلم تاریخ باید به شغل معلمی علاقه داشته باشد، اهل مطالعه باشد و به سؤال و پرسش توجه کند [دادی پور، ۱۳۸۲: ۴۱]. چشمش به شادابی و خستگی بچه‌ها باشد و هر وقت متوجه شد درس دادن دیگر فایده و اثری ندارد، به درس چاشنی بدهد؛ با یک لطفه یا حکایت و یا بیان یک خاطره. معلم تاریخ باید هنگام تدریس با نحوه‌ی استفاده از IT آشنا باشد و مرتب روزنامه‌های یومیه را بخواند و از آخرین یافته‌های پژوهشگران تاریخ مطلع باشد.

«یک ربع موقع ورود به کلاس، راجع به مسائل روز صحبت کند و ربطش بدهد به گذشته، تا دانش آموز بفهمد مسائل امروز با گذشته مرتبط هستند» [اتحادیه، ۱۳۸۴: ۶]. از دیدگاه ابن خلدون، دانای علم تاریخ، معلم تاریخ باید صفت‌های زیر را دارا باشد:

۱. عالم به قواعد سیاست و طبیعت‌های موجود باشد.
۲. عالم به تفاوت‌های ملت‌ها و سرزمین‌ها و روزگاریها باشد و به خصوص از تفاوت‌های شخصیتی و اخلاقی و نیز از عادت‌ها، مکتب‌ها، مذهب‌ها و دیگر حالت‌ها و وضع‌های ملل آگاه باشد.
۳. به اصول حاکم بر دولت‌ها و ملت‌ها و مبنای ظهور و علت‌های پیدایش و انگیزه‌های وجود و بقا، و تحلیل و شرح حالت‌های کارگزاران ایشان و گزارش‌هایشان بپردازد.
۴. بر وضعیت‌ها و حالات حاضر امور پیش گرفته در جامعه احاطه داشته باشد [ابن خلدون، ۱۳۸۲: ۳۹].

دبیر تاریخ برای ایجاد تنوع و جلوگیری از خستگی و کسالت دانش‌آموزان باید اولاً در طول تدریس فرصت‌هایی کوتاه به منظور رفع خستگی بدهد و ثانیاً برای ایجاد جذابیت، از طنزها و لطفه‌های تاریخی و هم‌چنین داستان‌های واقعی و عبرت‌آموز در مورد شخصیت‌های تاریخی استفاده کند [ایزدپناه، ۱۳۸۳: ۴۲].

دکتر شعبانی در مورد کارکرد معلم تاریخ می‌گوید: به عقیده‌ی من، معلمی سه بخش دارد: علم، فن و هنر. آن بخش را که علم است، با هیچ چیزی عوض نمی‌کنم. علم عنصر اصلی است و اگر کسی تاریخ نخوانده باشد و بخواهد آن را درس بدهد، به اندازه‌ی کسی به جامعه لطمه می‌زند که نجاری نداند و بخواهد در و پنجره بسازد. بنابراین باید علم داشت و صرف نظر از علم، ده درصد مسائل فنی مهم است [شعبانی، ۱۳۸۱: ۶]. و بخش سوم هنر است که معلم به طور خاص ده درصد یا بیشتر متکی به آن است و خلاقیت، نوآوری، ابتکار، و متناسب با شرایط روز، زمان و تاریخ بودن، از ویژگی‌های آن است [همان، ص ۱۱].

حسن امداد، در مورد شیوه‌ی تدریس تاریخ معتقد است: «احساسات هم نباید زیاد دخالت بکنند، برای این‌که وقتی این‌طور شد، معلم از حقیقت دور می‌افتد» [امداد، ۱۳۷۹: ۹]. هم‌چنین، معلم تاریخ باید سهم و نقش خاص خویش را در شکل‌گیری درس و بحث ایفا کند. فراهم ساختن امکان خلاقیت و بروز استعداد، و نشان دادن علاقه در برخورد با مباحث، موجب نشاط و شور و شوق وافر در تلاش برای تفهیم بهتر تاریخ خواهد بود [خیراندیش،

دیدگاه ساچمن در مورد تدریس تاریخ

معلم تاریخ هنگام تدریس، باید از روش اتصال کلمه که یکی از الگوهای یادسپاری است و در مواردی یادگیری را تا دو سه برابر افزایش می دهد، استفاده کند [برویس و مارشال، ۱۳۷۰: ۵]. در جریان تدریس، باید از فرضیه های دانش آموزان جانب داری کند؛ یعنی تأکید کند که به هر حال [نظریات] آن ها ماهیتاً حالت فرضیه ای دارند و مباحثاتی ترتیب دهد که دانش آموزان در آن، فرضیات خود را در برابر فرضیات دیگران بیازمایند. در گام بعدی این الگو، باید توجه دانش آموزان را به سمت تحلیل مفاهیم و راهبردهای تفکرشان برگرداند [همان، ص ۵۱].

معلم باید خیلی تلاش کند تا به دانش آموزان اهمیت و حیاتی بودن فعالیت پژوهشی را القا کند. این در واقع همان روشی است که به منظور فراهم کردن زمینه انگیزشی لازم برای تمرین مهارت های پایه مشخص شده است و باید به کار رود [ری، ۱۳۸۱: ۱۲۱]. هم چنین، معلم باید با رفتار خود اعتماد دانش آموزان را جلب کند. این گونه معلمان جایگاه و امتیاز خاصی دارند، چرا که اعتماد متقابل نه تنها پایه ای بی عیب و نقص برای یادگیری و تدریس مؤثر است، بلکه می تواند فرصت ویژه ای برای کودکان فراهم کند تا آن ها توانایی هایشان، به ویژه توانایی نوشتن را، توسعه دهند [همان، ص ۱۲۱].

معلمی که در دوره دبیرستان تدریس می کند، باید بداند که برای بچه های این دوره، معلومات معلم نسبت به موضوع و احاطه ی وی بر مطلب، اهمیت روزافزونی دارد. در این سن، اگر معلمی به بزرگی و صلاحیت علمی شناخته شود و درگیر انداختن بچه ها در امتحانات موفق باشد، حتی شاگردان زنگ تر، برخورد های بسیار مستبدانه و رفتارهای خشن او را نیز تحمل می کنند [فونتانو، ۱۳۸۲: ۱۳].

از طرف دیگر، معلم باید هنگام تدریس انصاف داشته باشد، یعنی به همه توجه کافی داشته باشد و دقت کند که فرصت ها را مساوی تقسیم کند. وی هم چنین باید اهل مطالبه نیز باشد، چرا که اهمیت مطالبه در اذهان دانش آموزان به اندازه ی انصاف است. احساس مطالبه و شوخی، باعث عکس العمل مناسب دانش آموز می شود و به تقلیل مرزهای میان معلم و شاگرد می انجامد؛ به شرطی که در آن زیاده روی نشود [همان، ص ۱۸۶]. حتی خندیدن در شرایطی که ایجاب می کند، این فایده را دارد که معلم به کلاس نشان می دهد، یک انسان مانند خود آن هاست [همان، ص ۱۸۷]. باید با آن ها برخورد مؤدبانه داشته باشد، ارتباطی دوستانه برقرار کند [صافی، ۱۳۸۴: ۷۰]، و به تفاوت های فردی آن ها توجه کند [همان، ص ۷۲]. علاوه بر این، در مقابلشان تکبر نرزد، فخر نفروشد، و خود را برتر از دیگران نداند: «... و لم تخرق بهم...» [شمس الدینی، ۱۳۷۵، ۴۶].

هم چنین، معلم تاریخ وقتی موفق است که شیوه ی آموزش مطالب تاریخی را بداند. در این شیوه، دانش آموزان ابتدا باید مطلب را با سرعت بخوانند تا بتوانند، جان کلام را دریابند. سپس دوباره آن را

بخوانند [لوراین، ۱۳۷۵: ۲۰۵] تا مطلب به یادشان بماند. و مطلب را پس از یادگیری مرور کنند و در حین مطالعه، دوره های متناوبی را استراحت کنند [نامعلوم، ۱۳۶۸: ۵۰]. به علاوه، همه ی مطالعاتشان را در یک مکان انجام دهند [اوتیس د، ۱۳۵۱: ۴۱] و مراقب باشند، هرگز در اتفاقی که استراحت و تفریح می کنند، مطالعه نکنند [همان، ص ۴۳]. مطالب را طوطی وار نخوانند، زیرا این نوع یادگیری غیرقابل انعطاف است و به سرعت فراموش می شود [هرگنهان والسون، ۱۳۷۷: ۳۱۲].

برای فهم تاریخ بهتر است آن را از کلی به جزئی مطالعه کنیم [قریب، ۱۳۶۱: ۱۲۱]. برای مثال، برای به یادسپاری سلسله ها باید حدود تاریخی آن ها را بدانیم؛ مثل هخامنشی: ۵۵۸ پ م، یا پارت: از سده ی سوم پ م تا ۲۲۶ م. پس برای یادگیری مثلاً دوره ی هخامنشیان باید به طریق زیر عمل کنیم:

۱. خیزش ملل مغلوب ۵۵۲ ق م؛
 ۲. اصلاحات داریوش [همان، ص ۱۲۲]؛
 ۳. جنگ های ایران و یونان، سده ی ششم ق م؛
 ۴. دولت های هخامنشی پس از خشایارشا.
- برای یادگیری تاریخچه های مهم بهتر است، نقطه ی عطف را مدنظر قرار دهیم [همان، ۱۲۳]، زیر مطالب مهم خط بکشیم [لایتز، ۱۳۷۴: ۱۱]، و بدانیم که مهم ترین اقدام، تداوم در یادگیری است [همان، ص ۱۲].

معلم تاریخ باید مطالبی را که به سن و هوش و فهم شاگردان کلاس تعلق دارد، در نظر بگیرد و هنگام آموزش کاری کند که کودک تاریخ را با میل و رغبت بخواند [صدیق، ۱۳۴۰: ۵۷]. او حتماً باید از کتاب خانه استفاده کند و نمی تواند تنها به معلوماتی اکتفا کند که در مدرسه آموخته است، زیرا امکان دارد هیچ گاه این معلومات تجدید و تکمیل نشده باشند [همان، ص ۲۴۱].

در تدریس تاریخ، هدف نباید تنها پر کردن ذهن دانش آموزان از معلومات مربوط به وقایع تاریخی، حفظ نام شخصیت ها، و محل و زمان وقوع حوادث تاریخی باشد. بلکه هدف معلم از آموزش این اطلاعات، باید آن باشد که دانش آموز را از علل و عوامل مؤثر در پیدایش وقایع تاریخی آگاه کند و طرز پیدا کردن مطالب مستند تاریخی را به او یاد دهد. روش تحقیق تاریخی را به او بیاموزد و به او بیاموزد که چگونه با اجرای روش علمی می تواند، حوادث تاریخی و علل آن ها را درک کند و ارتباط با وقایع تاریخی را با یکدیگر مورد توجه قرار دهد. معلم تاریخ در مطالعه ی تاریخ می تواند، نقش شخصیت ها و بزرگی و اندازه ی فداکاری آن ها را مشخص کند و از این راه، روح وطن خواهی و نوع دوستی را در دانش آموزان پرورش دهد [خاموشی، ۱۳۸۴: ۲۱].

مثلاً در تدریس واقعه ی مشروطیت، معلم نباید تنها به انتقال واقعیت های مربوط به این امر به شاگردان قناعت کند، زیرا این کار

فقط باعث بالا رفتن سطح اطلاعات شاگردان در این زمینه می شود. بلکه ایجاد عادات صحیح که برای زندگی در یک جامعه لازم است، از قبیل همکاری و اشتراک مساعی با دیگران و تبادل افکار و رشد تفکر علمی و تحقیق در مطالب تاریخی [شریعتمداری، ۱۳۶۲: ۱۱۴].

دکتر علی شریعتی نیز در رابطه با نحوه ی برخورد مورخ (معلم تاریخ) با مطالب تاریخی می گوید: «وقتی اثر تاریخی را می خوانیم، باید به نویسنده و شاعری که آن اثر را به وجود آورده است، توجه کنیم» (وضع، طرز فکر، مذهب، محیط و قری که در آن زندگی می کرده است) [شریعتی، ۱۳۷۴: ۹].

«پرفسور برک در این زمینه می گوید: نباید با بینش زمان خویش، حوادث یا وقایع و مسائلی را که در زمان دیگری رخ داده اند، بنگرد. مورخ باید بداند که یک حادثه و یک امر در یک زمان وجود دارد و نظیرش در زمان دیگر نیز مشاهده می شود، اما دارای دو معنی است و باید به دو صورت درباره اش قضاوت کرد» [همان، ص ۱۰]. ویژگی های مهم معلم تاریخ از دیدگاه دکتر مهدی کیوان از این قرارند:

۱. معلم تاریخ در جست و جوی هرچه بیشتر تنوع، تفاوت ها و تحولاتی است که در رفتار افراد و در مسیر حرکت، پیوسته ایجاد می شوند.

۲. معلم تاریخ کسی است که با نگاه و فکر تاریخی و با در نظر گرفتن دو عامل زمان و مکان، برای تشخیص و یافتن تفاوت ها و تغییرات کمی و کیفی و بیان خردورزانه و منصفانه می کوشد [کیوان، ۱۳۸۵: ۱۴].

۳. برخوردار از فکر و نگاه تاریخی، یعنی جست و جوگر و کاشف تفاوت ها و تغییرات حقیقی است.

۴. فهم دوران تاریخی گذشته، وظیفه ی معلم مسئولیت پذیر و ترقی خواه است.

۵. در ایجاد رابطه میان شاگرد و موضوع تاریخی می کوشد [همان، ص ۱۵].

۶. شیوه ی منصفانه و سنجیده ای دارد تا از عکس العمل های تند و احساساتی دانش آموزان جلوگیری کند. خودش نیز نباید کلاس تاریخ را به کلاس تبلیغ مبدل سازد، بلکه هدف او باید بیان وقایع باشد [همان، ص ۱۷].

۷. باید اهل اندیشه باشد و اندیشیدن تاریخی را به شاگردان تاریخ آموزش دهد [همان، ص ۱۸].

۸. معلم تاریخ حق ندارد مباحث و مقولات تاریخ را با تفسیرها و تغییرات شخصی که اکثراً آغشته به احساسات هستند، همراه سازد. باید به مبانی اخلاقی احترام و پای بندی نشان دهد و در نقل و شیوه ی ارائه ی برخی از صحنه های تاریخی، مانند آمدن مهاجمان یونانی، عرب، ترک، مغول و حتی ویرانگری ها و کشتارهای آنان، باید بسیار

محتاط و محافظه کار باشد. معلم هوشیار و با کمال تاریخ نباید با بیان چنین صحنه هایی، حس انتقام جویی و دشمن ستیزی را در دانش آموزان برانگیزد [همان، ص ۱۹].

مرحوم رشید یاسمی در مورد چگونگی آموزش تاریخ می گوید: «روی هم رفته باید گفت، هیچ اسلوبی خودبه خود کامل نیست. اساس کار بر جلب توجه و علاقه ی محصلان است و بس. معلم باید فرد شاگردان خود را بشناسد، میل های شخصی و افکار آن ها را بداند، و حتی از محیط خانوادگی و افکار خویشان نزدیک و مؤثر آن ها هم مطلع باشد. بدون تولید علاقه، تمام منافع مذکور که از تاریخ توقع داریم، بر باد است و حاصل نتوان شد.»

چون گوش هوش نباشد، چه سود حسن مقال! ایشان در ادامه می افزاید: «نخست باید خود آموزگار به رشته ی تاریخ علاقه مند باشد، و الا کلام او در نفوس اطفال بی تأثیر خواهد بود. وظیفه ی معلم است که با کوشش و علاقه ی هر چه تمام تر، مطلب را قبلاً به خاطر بسپارد و از هر طرف، راه تنبلی و خاموشی ذهن شاگردان را ببندد» [یاسمی، ۱۳۷۸: ۹].

دکتر سیروس برادران شکوهی، درباره ی شیوه ی تدریس تاریخ می گوید: «معلمان تاریخ سعی کنند، کارشان را با علاقه و جدیت انجام دهند و با روزآمد کردن اطلاعات، بازدهی کلاس را بالا ببرند. تهیه و نمایش فیلم هم مؤثر است؛ یعنی باید به جایگاه آموزش سمعی و بصری در تاریخ بیشتر توجه شود. هم چنین باید آموزش بعضی مفاهیم را با بازدید از اماکن تاریخی توأم کرد» [برادران شکوهی، ۱۳۸۲: ۷].

دکتر داود اصفهانیان نیز در آموزش تاریخ معتقد است: «جاذبه های تاریخ عمومی را باید ارائه دهیم تا ذهن دانش آموز آماده ی درک تاریخ عمومی بشود و کلیاتی از تاریخ سیاسی، اجتماعی و هنر باید باشد و برای جذابیت درس تاریخ، باید مجموعه ای از تمام دستاوردها و در واقع سرگذشت بشر را به دانش آموز ارائه دهیم [اصفهانیان، ۱۳۸۱: ۱۰].

نتیجه

تدریس و شیوه های آن، ده ها و صدها رویکرد و متد دارد که بخشی از آن ها به معلم مربوط می شود و قسمتی نیز به نظام آموزشی و محیط تدریس و سطح آگاهی و دانش خانواده ها. لذا دبیر تاریخ، هنگام تدریس نباید به حداقل های اطلاعات از رشته ی تخصصی خود بسنده کند، بلکه آموخته هایش باید به روز باشد. علاوه بر آن، حتماً باید از شیوه های یادگیری حیطه های شناختی، و علل افت تحصیلی و اصول حاکم بر آن اطلاعاتی داشته باشد تا بتواند در ارائه ی درس به دانش آموزان موفق باشد. البته چنین امری نه تنها وظیفه ی معلم تاریخ است، بلکه وزارت آموزش و پرورش نیز باید در اجرای دوره های دانش افزایی معلمان، راجع به یادگیری و روان شناسی تعلیم

و تربیت، نقش پررنگ تری ایفا کند که البته در سال‌های اخیر رویکردی مثبت در این زمینه مشاهده می‌شود. امید این که نگاه دبیران به آموزش، نگاهی خودباورانه و تحول‌آفرین باشد و کاستی‌های اقتصادی را بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از مطالعه و تحقیق نسازند.

منابع

۱. آرام، محمدباقر. «درآمدی بر روش تدریس تاریخ». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۹. شماره ۳.
۲. رجبی، زهرا. «کارمایه‌ی هنر معلمی». کهن روزگار. اصفهان. پاییز ۸۳.
۳. یارعلی، جواد. «کارمایه‌ی هنر معلمی». کهن روزگار. اصفهان. بهار ۸۴.
۴. دهنوی، حسین. روش تدریس. انتشارات یمین. قم. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۵. نوایی، عبدالحسین. «نیم‌قرن تدریس و تحقیق». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۹. شماره ۴.
۶. خیراندیش، عبدالرسول. «هم‌عالیه و ملل راقیه». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۲. شماره ۱۳.
۷. ———. «تحولات جهان پیرامون ما و ضرورت‌های درس تاریخ». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۱. شماره ۹.
۸. باستانی پاریزی، محمدابراهیم. دکتر باستانی روایتگر نکته‌سنج تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۰. شماره ۷.
۹. خیراندیش، عبدالرسول. «دبیران تاریخ موزبان تاریخ فرهنگ». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۰.
۱۰. کیوان، مهدی. «تفکر تاریخی». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۰. شماره ۸.
۱۱. هندرسن، دبوراً. آموزش تاریخ در استرالیا. گفت‌وگو: مسعود جوادیان و جمشید نوروزی. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۵. شماره ۲۲.
۱۲. بختیاری، محمدرضا. «چگونه معلم موفق باشم». گاه‌نامه‌ی چی چست آذربایجان شرقی. ۱۳۸۲. شماره ۱.
۱۳. امینی. فرصت‌ها و چالش‌ها در آموزش تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۳. شماره ۱۶.
۱۴. نامعلوم. «عوامل مؤثر در افزایش کارایی دبیران». تربیت. تهران. ۱۳۷۱. شماره ۶.
۱۵. رشیدپور، عبدالمجید. «ویژگی‌های معلم نمونه». پیوند. انتشارات آموزش و پرورش. تهران. ۱۳۷۱. شماره ۱۵۹.
۱۶. مفیدی، فرخنده. «نقش الگودهی معلم در روند تعلیم و تربیت کودکان دبستانی». پیوند. انتشارات آموزش و پرورش. تهران. ۱۳۷۳. شماره ۱۷.
۱۷. نامعلوم. «یک اقتراح». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۸. شماره ۱.
۱۸. بیات، عزیزالله. «۶۰ سال با تاریخ». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۴. شماره ۲۰.
۱۹. جوادیان، مسعود. «مصاحبه». کهن روزگار. اصفهان. زمستان ۱۳۸۱.
۲۰. پوررضا، مجید. سنجش و ارزش‌یابی درس تاریخ. کهن روزگار. اصفهان. تابستان ۱۳۸۲.
۲۱. کردآبادی. «مصاحبه». کهن روزگار. اصفهان. پاییز ۱۳۸۱.
۲۲. صرامی، رسول. «روش تدریس فعال». کهن روزگار. اصفهان. بهار. ۱۳۸۲.
۲۳. ایزدپناه، محمد نوروز. «راهکارهایی برای ایجاد علاقه و جذابیت درس تاریخ». کهن روزگار. اصفهان. زمستان ۱۳۸۳.
۲۴. شعبانی، رضا. «نسبت زمان و تاریخ». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۱. شماره ۱۰.
۲۵. امداد، حسن. «مصاحبه». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۹. شماره ۲.

۲۶. خیراندیش، عبدالرسول. مسئولیت و منزلت معلم تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۹. شماره ۳.
۲۷. رخشانی. «پای سخن معلمان تاریخ». رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۲. شماره ۱۳.
۲۸. گلستانه، مزار. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۲. شماره ۱۳.
۲۹. دادی‌پور، ابراهیم. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۲. شماره ۱۳.
۳۰. اتحادیه، منصوره. تاریخ اجتماعی ایران در آینه‌ی اسناد. رشد آموزش تاریخ. تهران. شماره ۱۸.
۳۱. ابن‌خلدون. سرچشمه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدنژاد اول. مؤسسه‌ی فرهنگی اهل قلم. تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۲.
۳۲. برویس، جویس و مارشال، ویل. الگوهای تدریس. ترجمه‌ی محمدرضا برنجی. انتشارات گلچین. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۰.
۳۳. ری، دیوید. پژوهش در کلاس درس. ترجمه‌ی محمدرضا سرکارارانی و علیرضا مقدم. انتشارات منادی تربیت. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۳۴. فونتانو، دیوید. کنترل کلاس، ترجمه‌ی حمزه‌ساده و مجید محمدی. انتشارات رشد. تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۲.
۳۵. صافی، احمد. تمرین معلمی. انتشارات رشد. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۴.
۳۶. شمس‌الدینی، مهدی. معلم شمع بزم آفرینش، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی. مشهد. چاپ اول. ۱۳۷۵.
۳۷. لوراین، هری. یادگیری = حافظه + اطلاعات. ترجمه‌ی احمد میرعابدینی. انتشارات چکامه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۵.
۳۸. نامعلوم. حافظه‌ی آتی. ترجمه‌ی مجتبی‌ابراهیم زاده. بی‌نا. تهران. ۱۳۶۸.
۳۹. اوتیس، د. فرو. چگونه مطالعه کنیم. ترجمه‌ی عبدالحسین آل‌رسول. انتشارات کتاب زمان. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۱.
۴۰. هرگنهان، بی. آر و السون، میتواج. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه‌ی علی اکبر سیف. انتشارات دوران. تهران. چاپ چهارم. ۱۳۷۷.
۴۱. قریب، عبدالکریم. ۵۷ درس برای تقویت حافظه. انتشارات دانش روز. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۱.
۴۲. لایتز، سباستین. این‌گونه باید آموخت. ترجمه‌ی کیوان عمومی. انتشارات طلایه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۴.
۴۳. صدیق، عیسی. روش نوین در آموزش و پرورش. انتشارات طبع کتاب. تهران. چاپ ۲۳/۱۳۴۰.
۴۴. خاموشی، نادیا. «معلم‌ها بخوانید و بدانید». پیک سنجش. تهران. شماره ۳۹. دیماه ۱۳۸۴.
۴۵. شریعتمداری، علی. جامعه و تعلیم و تربیت. انتشارات امیرکبیر. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۶۲.
۴۶. شریعتی، علی. بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی. انتشارات الهام.
۴۷. باستانی پاریزی، محمدابراهیم. پیر سبزشان. انتشارات علم. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۹.
۴۸. کیوان، مهدی. شیوه‌ی تدریس تاریخ در دوره‌ی متوسطه. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۵. شماره ۲۴.
۴۹. یاسمی، رشید. رشید یاسمی و آموزش تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۸. شماره ۱.
۵۰. آرام، محمدباقر. درآمدی بر روش تدریس تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۷۹. شماره ۳.
۵۱. برداران شکوهی، سیروس. نیم‌قرن تدریس تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۲. شماره ۱۳.
۵۲. اصفهانیان، داود. باید‌ها و نباید‌ها در آموزش تاریخ. رشد آموزش تاریخ. تهران. ۱۳۸۱. شماره ۹.